

بررسی نشانه‌شناسانه کارکرد رفتارها و ارتباطات غیر کلامی در رمان «فرانکشتاین فی بغداد» اثر احمد سعداوی

مسعود باوان پوری^۱، عبدالاحد غیبی^{۲*}، خلیلی پروینی^۳، مهین حاجی زاده^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

۲. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

۳. استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس

۴. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶

A Semiotic Study of the Function of Nonverbal Behaviors and Communication in Frankenstein in Baghdad Novel by Ahmad Saadawi

Masoud Bavanpouri¹, Abdol Ahad Gheibi^{2*}, Khalili Parvini³, Mahin Hajizadeh⁴

1. PhD Candidate, Department of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University

2. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University

3. Professor, Department of Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University

4. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University

Received: 2020/04/04

Accepted: 2020/08/31

Abstract

Non-verbal Communication is one of the branches of Semiotics that includes all types of motor behaviors such as facial expressions, body movements, and gestures in people. The present study seeks to examine the novel entitled Frankenstein in Baghdad by Ahmed Saadawi from the perspective of Non-Verbal Communication signs such as facial expressions, eye states, parasites, objects, distance, and so on and so forth. The aim of this study is to introduce, classify, decode, and analyze all kinds of Non-Verbal Communication in the novel to show how body language can convey, amongst other things, such functions as love, fear, anxiety, and lying, and also to show what tools the author uses to narrate non-verbal behaviors of characters. The results show that Saadawi has benefited the most from the different positions of the hands and face and from different types of gaze, along with their related functions. He has used these modes to express, amongst other things, such concepts as fear of strange things, fear, anxiety and sadness, and gaining information. In addition to these, other modes and organs are also involved in conveying the author's messages. Also, most of the functions of these messages are substitution functions.

Keywords: Social linguistics; semantics; non-verbal communication; Arabic novel; Booker prize, Ahmed Saadawi, Frankenstein in Baghdad.

چکیده

ارتباط غیر کلامی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که انواع رفتارهای حرکتی افراد از جمله حالات چهره، حرکت‌های بدن، ژست‌ها و... را در برمی‌گیرد. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش نشانه‌شناسی، رمان «فرانکشتاین فی بغداد» اثر احمد سعداوی را از منظر نشانه‌های ارتباط غیر کلامی از جمله حالات چهره، حالات چشم، پیرازبان، اشیاء، میزان فاصله و... مورد بررسی قرار دهد. هدف این پژوهش معرفی، طبقه‌بندی، رمزگشایی و تحلیل انواع ارتباطات غیر کلامی در رمان مذکور است تا نشان دهد که چگونه زبان بدن می‌تواند کارکردهایی مانند محبت، ترس، اضطراب، دروغ و... را انتقال دهد و نیز نویسنده برای روایت رفتارهای غیر کلامی شخصیت‌ها از چه ابزارهایی بهره برده است. نتایج نشانگر آن است که سعداوی از حالت‌های مختلف دست، چهره و نوع نگاه کردن در کنار کارکردهای مربوط به آنها، بیشترین بهره را برده است. وی از این حالت‌ها برای بیان مواردی مانند ترس از وقوع امری عجیب، ترس، اضطراب و ناراحتی، کسب اطلاع و... استفاده کرده است. در کنار این موارد، حالت‌ها و اندام‌های دیگری نیز در رساندن پیام‌های نویسنده دخیل هستند. همچنین بیشترین کارکردهای این پیام‌ها، کارکرد جانشینی است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، نشانه‌شناسی، ارتباط غیر کلامی، رمان عربی، جایزه بوکر، احمد سعداوی، فرانکشتاین فی بغداد.

*Corresponding Author: Abdol Ahad Gheibi

Email: abdolahad@azaruniv.ac.ir

* نویسنده مسئول: عبدالاحد غیبی

مقدمه

تبیین مسأله پژوهش

نشانه‌ها یکی از ابزارهای مؤثر و نیز اقتصادی، از نظر زمانی، هستند که پیام را در قالبی بسیار کمتر از حجم آن به دنیای خارج عرضه می‌کنند. همین عامل سبب شده است که نشانه‌ها به‌عنوان ابزاری مهم برای انتقال پیام‌ها و متعاقباً معنا در ابعادی گسترده با زندگی بشری آمیخته شوند. با توجه به چنین امری، دانش نشانه‌شناسی با رمزگشایی از نشانه‌ها در پدیده‌های گوناگون، به تشریح و شناساندن هرچه بهتر جایگاه نشانه‌ها در زندگی بشری پرداخته است. نشانه‌های غیرکلامی یکی از انواع نشانه‌هاست که نقشی بی‌بدیل در زندگی امروز مردم یافته است.

با توجه به این که «ارتباطات غیرکلامی نسبت به چند دهه گذشته رشد چشمگیری داشته، به طوری که کاربرد آن در حیطه کسب و کار، رسانه، روابط بین‌الملل، آموزش و پرورش، به طور شایان توجهی مورد توجه واقع شده است» (ابراهیم‌نژاد سلامی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹۵)، بازتاب قابل توجهی از این عناصر در حوزه زبان‌شناسی دیده می‌شود که مطالعه آنها به بررسی نقش ارتباطات غیرکلامی در جامعه‌شناسی زبان و دانش نشانه‌شناسی مربوط می‌شود. در این میان نشانه‌شناسی رمان، که بخش عظیمی از ادبیات معاصر را به خود اختصاص داده، از جایگاه و اهمیت بارز و ویژه‌ای برخوردار است.

زبان بدن (لغة الجسد) یکی از مهم‌ترین مسائلی است که نویسندگان به صورت آگاهانه یا غیرآگاهانه در راستای شخصیت‌پردازی از زبان آن بهره برده‌اند. نویسندگان درجه اول عرب نیز از این خصیصه برای بهبود کیفیت رمان‌های خویش استفاده کرده‌اند. نظر به این که جایزه بوکر عربی «الجائزة العالمية للرواية العربية» در انتخاب رمان‌های برتر عربی از جایگاه خاصی برخوردار است، پژوهش حاضر کوشیده است با استفاده از روش نشانه‌شناسی و با رویکرد میان‌رشته‌ای و بهره‌گیری از آموزه‌های علوم ارتباطات، به بررسی رمان «فرانکشتاین فی بغداد» اثر احمد سعداوی، بپردازد و نشانه‌های ارتباط غیرکلامی را در آنها کشف و طبقه‌بندی کند.

مبانی نظری پژوهش

ایجاد ارتباط همواره یکی از دغدغه‌های بشر بوده است. این

مفهوم به کلیه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و حرکتی اطلاق می‌شود که توسط فرد برای انتقال معنی به فردی دیگر یا به توده وسیعی از افراد به کار می‌رود؛ این انتقال پیام ممکن است فقط یک اطلاع‌رسانی ساده باشد یا اینکه هدف از انتقال پیام اثرگذاری یا نفوذ بر مخاطب باشد (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۳). ارتباط عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر. به طور کلی هر فرد برای ایجاد ارتباط با دیگران و بیان نیازهای خود از وسایل گوناگونی استفاده می‌نماید (حکیم‌آرا، ۱۳۸۴: ۳۶). فلاحی ارتباط را فرآیندی آگاهانه یا غیرآگاهانه و خواسته یا ناخواسته دانسته است که از طریق آن احساسات و نظرات به شکل پیام بیان می‌شود (فلاحی، ۱۳۷۹: ۵۶).

ادوین امری^۱ مفهوم ارتباط در معنای عام را این‌گونه تعریف کرده است: «ارتباط عبارت است از فنی که به وسیله آن اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود و هر فرد برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام‌های خود به دیگران می‌تواند از روش‌های مختلف استفاده کند. هنگامی که انسان با نگاه یا لیخند، نشاط خود را به دیگری نشان می‌دهد یا وقتی که با بیان شفاهی، دوستی خویش را به دیگری می‌فهماند، به همین ترتیب موقعی که انسان به دیگری نامه می‌نویسد و پیام خود را به دیگری منتقل می‌سازد، با وی ارتباط برقرار می‌کند» (ساروخانی، ۱۳۹۱: ۳۳).

ارتباط را به دو نوع کلامی و غیرکلامی تقسیم کرده‌اند: ارتباط غیرکلامی همان‌طور که به آن «زبان بدن» هم گفته می‌شود «حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد: از بیان چهره‌ای و اشاره اندامی تا مد و نمادهای وضعیتی، از رقص و نمایش تا موسیقی و لال‌بازی، از جریان تأثیرانگیز تا جریان ترافیک، از حیطه قلمروجویی حیوانات تا عهدنامه‌های سیاسی، از ادراک فراحسی تا رایانه‌های قیاسی و از بلاغت مرتبط با خشونت تا بلاغت مربوط به پایکوبی‌های نخستین» (ریچموند و مک‌کروسکی^۲، ۱۳۸۸: ۱۹). ارتباط غیرکلامی عبارت است از: حرکت‌شناسی یا شناخت رفتار جسمی، فضاشناسی یا استفاده از فضا، صور ظاهر، لامسه‌شناسی یا استفاده از لامسه در برقراری ارتباط، رفتارهای آوایی، زمان‌شناسی و ارزش‌گذاری بر زمان، مصنوعات و استفاده از آن‌ها در روند ارتباط و ... (ر. ک لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۸۷-)

1. Edwin Emery

2. Virginia P. Richmond and James C. McCroskey

تصاویر و حتی رفتارها را داشته باشند. نشانه‌ها، معنای ذاتی ندارند و تنها زمانی نشانه می‌شوند که کاربران، آن‌ها را در برابر معنایی به کار می‌گیرند (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

ارتباط غیر کلامی می‌تواند به عنوان محور شناخت و ارزیابی پیام‌های کلامی، ذهن خواننده را درگیر و به خواندن ادامه متن ترغیب کند (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۱۵۸). البته باید دانست که «ارتباط غیر کلامی فقط در موقعیت و فضایی که حوادث روی می‌دهند، تفسیر می‌شود و چه بسا در موقعیتی دیگر معنای دیگری داشته باشد» (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۸۷).

روایت داستان‌ها در دو بستر کلام و رفتار شکل می‌گیرد؛ «آنچه را که راوی روایت می‌کند، بیانی از کنش غیر کلامی شخصیت‌هاست و آنچه را که به نقل از شخصیت‌ها روایت می‌کند کنش کلامی آنهاست» (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۸). در این میان ارتباطات غیر کلامی می‌تواند به عنوان محور شناخت و ارزیابی شخصیت‌های داستان و ایجاد تعلیق از طریق عکس‌العمل‌های کند و سریع رفتاری، ایماها و اشارات شخصیت‌ها، خواننده را به خواندن ادامه داستان ترغیب کند.

پیام (ارتباط) غیر کلامی دارای شش کارکرد است:

۱- تکمیل کردن: برخی پیام‌های غیر کلامی با پیام‌های کلامی همراه و هماهنگ هستند. یک پیام غیر کلامی علاوه بر کامل کردن پیام کلامی، آن را تقویت و روشن و شفاف می‌کند و معنایی «صحیح» از پیام را در اختیار مخاطب می‌گذارد؛ به عنوان مثال، وقتی یکی از دوستان خود را می‌بینید و می‌گویید: «از دیدنت خوشحالم» و هم‌زمان او را در آغوش می‌کشید، پیام فرستاده شده، قوی‌تر و اثرگذارتر خواهد بود.

۲- تکذیب کردن: بعضی پیام‌های غیر کلامی، پیام کلامی را نقض و تکذیب و حتی خنثی می‌کنند یا مغایر با آن هستند. وقتی پیام‌های کلامی و غیر کلامی مغایر با هم هستند، مردم بیشتر تمایل دارند پیام غیر کلامی را باور کنند؛ برای نمونه، طرف مقابل ممکن است با لحنی سرد و صدایی خصمانه بگوید: «مشکلی پیش نیامده است». لحن در اینجا یکی از اجزای پیرایه‌بان است.

۳- تکرار کردن: پیام غیر کلامی که تکرارکننده پیام کلامی است، گونه‌ای از پیام است که اگر کلام هم وجود نداشته باشد، می‌تواند به طور مستقل عمل کند؛ مثلاً وقتی که بخواهید در رستوران، به اندازه دو نفر غذا سفارش بدهید، هنگامی که می‌گویید دو غذا، دو انگشت خود را نیز نشان می‌دهید؛ در واقع پیام‌های غیر کلامی تکرارکننده

۱۸۵). این نوع ارتباط شامل نشانه‌های غیر کلامی یا تصویری و دیداری در مناسبات اجتماعی است و هم‌چون دیگر نشانه‌ها، دارای دال و مدلول است که با تغییر در دال، مدلول نیز تغییر می‌کند؛ مثلاً جمع شدن ابروها نشانه عصبانیت و باز شدن ابروها از یکدیگر نشانه رضایت و خوشحالی است (شعیری، ۱۳۹۲: ۳۱). همچنین «شامل تمام جنبه‌های ارتباط به جز کلمات می‌باشد» (وود، ۱۳۸۴: ۲۸۴) و در حوزه علم نشانه‌شناسی قرار می‌گیرد؛ ارتباط غیر کلامی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است» (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴).

زبان بدن روشی ارتباطی است که گام، ریتم، کلمه و دستور زبان خاص خود را داراست و اگر این کلمات ناساخته از حروف و قواعد خاص خود، به درستی ادا شود و به یکدیگر بیوندد، «عبارات غیرشفاهی» را تشکیل می‌دهند. این عبارات بعد از متصل شدن به یکدیگر عبارات و جملاتی را خواهند ساخت تا پیام‌های ما را به دیگران منتقل کنند (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۸۱).

الیزابت کونکه^۱ یکی از محققانی است که در مورد زبان بدن به تحقیق پرداخته است. او در کتاب خود تحت عنوان «زبان بدن به زبان آدمی‌زاد» می‌نویسد: «هنگامی که کلمات برای ادای مقصود کافی نباشد یا زمانی که نمی‌توان اندیشه را با صدای بلند بیان کرد، برای رساندن منظورمان از حرکات و اشارات استفاده می‌کنیم؛ به طور مثال قرار دادن انگشت اشاره در مقابل دهان و هم‌زمان جمع نمودن لب‌ها علامتی متداول برای سکوت است. همچنین بالا گرفتن دست به طور ناگهانی و محکم نگه داشتن انگشت‌ها در کنار هم، در حالی که کف دست به سمت جلو باشد به معنی «توقف کن» است» (کونکه، ۱۳۹۳: ۳۰).

فردینان دو سوسور^۲، به عنوان بنیانگذار علم نشانه‌شناسی، «ترکیب مفهوم و تصویر صوتی» را نشانه نام نهاده است (سوسور، ۱۳۸۲: ۹۷). وی نشانه را از طریق مقوله‌های دال^۳ و مدلول^۴ توضیح می‌دهد. سوسور معتقد است «مفهوم، معنی یا مدلول و تصویر صوتی، لفظ یا دال نامیده می‌شود» (دینه‌سن، ۱۳۸۰: ۲۶). نشانه، واحد معناداری است که به عنوان چیزی که در برابر چیز دیگری (غیر خودش) قرار دارد؛ تفسیر می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۵۹). نشانه‌ها می‌توانند صورت‌های گوناگونی از قبیل کلمات،

1. Elizabeth Konke
2. Ferdinand Dossusor
3. signfier
4. signfied

پیام‌های کلامی هستند و برعکس.

۴- کنترل کردن: تعامل‌های کلامی به سبب کنترل و جهت‌ی که دارند، سازمان‌یافته‌اند. این کنترل و تدبیر وقتی با پیام‌های غیرکلامی همراه شود، بهتر به نتیجه می‌رسد. پیام‌های غیرکلامی کنترل‌کننده عبارتند از: نگاه کردن یا برگرداندن نگاه از شخص دیگر، بالا بردن یک انگشت ضمن مکث کردن برای نشان دادن خاتمه صحبت‌های خود، آهنگ صدا را بالا یا پایین آوردن و ...

۵- جانشینی: وقتی پیام‌های غیرکلامی به جای پیام‌های کلامی فرستاده می‌شوند، پدیده جانشینی رخ می‌دهد. نگاه خصمانه به کسی، مانند گفتن جمله‌ای منفی است و یک مفهوم را می‌رساند.

۶- تأکیدی: پیام‌های غیرکلامی به منظور تأکید، تقویت، تکیه یا برجسته کردن پیام کلامی به کار برده می‌شوند. مکث کردن پیش از صحبت کردن، حاکی از آن است که آن چه گفته خواهد شد، بسیار بااهمیت است. این شش کارکرد همیشه به طور جداگانه اتفاق نمی‌افتند؛ هم‌زمان روی دادن آنها نیز کاملاً امکان‌پذیر است (ر. ک ریچموند و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۵).

پیشینه پژوهش

نوزاد احمد اسود (۲۰۱۶) در مقاله «بناء الشخصيات في رواية (فرانکشتاین فی بغداد) لأحمد سعداوي» ضمن توضیحاتی در مورد رمان، به معرفی شخصیت‌های اصلی یعنی «هادی العتاق»، «شسمه» و شخصیت‌های فرعی مانند «فرج الدلال»، «ابوزیدون الحلاق» که شخصیتی زشت‌خو دارد، «محمد السوادی» روزنامه‌نگار جوان و ... می‌پردازد. در قسمت دوم داستان نیز به توضیحاتی درباره روش‌های شخصیت‌پردازی و نموده‌های آن در رمان مذکور پرداخته است.

عبدالله ونوغی (۲۰۱۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «البعده العجائبي في رواية فرانکشتاین فی بغداد لأحمد سعداوي» به بررسی رئالیسم جادویی و فانتستیک در این رمان پرداخته است که از واقعیت و منطق به سوی ماورای واقعیت و عقل حرکت کرده و نویسنده در خلال زبان روایی و عناصر روایی مانند زمان و مکان و شخصیت به بررسی این ابعاد پرداخته است.

ساجد کامل یاسین و عبد نصیف (۲۰۱۹) در مقاله «تجلیات أدب الرعب في رواية فرانکشتاین فی بغداد

أحمد سعداوي» به بررسی جنبه فانتزی ترسناک رمان مذکور پرداخته است. آنها در لابلای مقاله به موضوعاتی مانند: ادبیات ترسناک در ادبیات جهان و ادبیات عربی اشاره داشته‌اند. در بخش دوم مقاله نیز به بررسی ترس در رمان و تجلی آن در قالب عناصر روایی مانند شخصیت، پیرنگ، زمان و مکان پرداخته‌اند. نیز اشاره داشته‌اند که شاید عنوان فرانکشتاین به این خاطر انتخاب شده تا بیانگر تروریسمی باشد که در اثر تهاجم و اشغالگری به وجود آمده است.

زندگینامه احمد سعداوی و خلاصه‌ای از رمان فرانکشتاین فی بغداد

احمد سعداوی در سال ۱۹۷۳ م در بغداد به دنیا آمد. وی در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات و مؤسسات روزنامه‌نگاری کار کرده است. در سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ م. خبرنگار شبکه بی‌بی‌سی در بغداد بوده است. اکنون در تولید و نگارش فیلم‌های مستند و تهیه برنامه‌های تلویزیونی و نگارش سناریو عمل می‌کند. وی دارای دیوان‌های شعری «الوثن الغازی»، «نجاه زائده»، «عید الأغنیات السیئة» و «صورتی وأنا أحلم» است. از وی رمان‌های «البلد الجمیل»، «إنه یحلم أو یموت» و «فرانکشتاین فی بغداد» به چاپ رسیده است.

رمان فرانکشتاین فی بغداد، روایت غریبه‌هایی است که در رنج مشترک‌اند. داستان زندگی مردی به نام هادی دستفروش را به تصویر می‌کشد که با دوختن تکه‌های بدن کشته‌شدگان بمباران‌ها و درگیری‌های خونین سال ۲۰۰۵ عراق، کالبدی را به وجود می‌آورد که با دمیده شدن روح یکی از همان کشته‌شدگان در آن کالبد ساخته دست هادی، جان می‌گیرد و در خیابان‌های بغداد به انتقام‌جویی از عاملان کشتارهای بغداد می‌پردازد؛ اما بعد از مدتی انتقام‌جو تبدیل به جانی خطرناکی می‌شود که مقصد و هدف اصلی را گم کرده و عامل وحشی فراگیر در کل کشور می‌شود. شخصیت‌های داستان اندوه و آسفتگی غریبی را به خواننده منتقل می‌کنند و در میانه رمان، خواننده، ظالم و مظلوم را دیگر از هم تشخیص نمی‌دهد (افضلی و گندمی، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

این داستان به ترس و هراس مردم، وحشت روزمره آن‌ها از زندگی در شهر و منطقه‌ای که هر روز شاهد مرگ و نابودی است، می‌پردازد؛ مردمی که انگار دیگر با هم اشتراکی ندارند، غریبه هستند و رنج و درد دیگران برایشان بی‌معنا است. یک خبرنگار جوان که دردها و زخم‌هایی را با خود به

نامنی موجود در شهر بغداد است:

(۱) «حدث الانفجار بعد دقيقتين من مغادرة باص الكيا الذي ركبت فيه العجوز ايليشوا أم دانيال. التفت الجميع بسرعة داخل الباص، وشاهدوا من خلف الزجاج، وبعيون فزعة، كتلة الدخان المهبية» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۱۱) ترجمه: بعد از دو دقیقه از رفتن اتوبوس کیا، که ایلیشوا مادر دانیال سوار آن بود، انفجار روی داد. همه افراد داخل اتوبوس به سرعت به عقب نگریستند و در ورای شلوغی و با چشمانی ترسیده، ذرات ترسناک دود را دیدند. هادی، که شخصیتی پرحرف و دروغگو است، مدام در قهوه‌خانه عزیز مصری به یاهو‌گویی در مورد یک شخصیت (شسمه) می‌پردازد. نیروهای امنیتی نیز که در میان مردم پراکنده‌اند در این قهوه‌خانه حضور دارند. عزیز مصری که از ورود دو فرد غریبه به قهوه‌خانه ناخشنود است با چشمک به هادی می‌فهماند که دست از یاهو‌گویی بردارد. در این بخش چشمک زدن نشانه مواظب بودن، حفظ زبان و سکوت است که کارکردی کنترلی - جانشینی برای رفتار هادی دارد؛ زیرا جایگزین کلام شده و رفتار هادی را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است. حضور مأموران امنیتی در محلی مثل قهوه‌خانه نشانه تلاش آنها در جهت کسب اطلاعات و امنیتی بودن اوضاع بغداد است:

(۲) «عاد عزيز المصري باستكان شاي جديد وضعه أمام هادی العتاگ وغمز له بعينيه في إشارة فهمها هادي من فوره. عزيز المصري غير مرتاح لهذين الشابين» (همان: ۹۶)

ترجمه: عزیز مصری با استکان چای تازه‌ای برگشت که آن را مقابل هادی عتاگ قرار داد و به او چشمک زد، که هادی فوراً معنای آن را فهمید. عزیز مصری از حضور این دو جوان ناراحت بود.

جدول ۱. حالات چشم

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
چشمان برآمده	تعجب فراوان	جانشینی	۱۷
بستن چشم‌ها	یادآوری چیزی در گذشته	جانشینی	۱۳۵
هاله سیاه دور چشم	نخوابیدن	تاگیدی	۱۵۲

حالات چهره

چهره مهم‌ترین عضو در شناسایی پیام‌های غیر کلامی و تفسیر آنها محسوب می‌شود؛ «اصلی‌ترین دلیل اهمیت

دوش می‌کشد، دستفروش شلخته و دروغ‌گویی که تمام زندگی او در فریب و مستی و خرید و فروش اجناس به‌دردنخور خلاصه شده‌است، زنان غمگینی که تنها به باورها و خرافات خود چسبیده‌اند، سرتیپ تحقیرشده در دوران رژیم بعث و سرانجام قهرمان اصلی رمان با نام فرانکشتاین بغدادی که هم قاتل است و هم مقتول، شخصیت‌های اصلی را شکل می‌دهند. داستان اگرچه واقعی نیست اما بسیار باورپذیر و هوشمندانه به رشته نگارش درآمده است. انزجار از جنگ و فضای وحشتی که در بغداد جنگ‌زده حاکم است همراه با اختناق موجود، در داستان به‌طرز شیوایی نهادینه شده است. این مخلوق سعداوی شبیه فرانکشتاین یا پرومته مدرن (۱۸۱۸) مری شلی است و خود نویسنده نیز در ابتدای کتاب خویش به این موضوع اشاره داشته است.

رمان فرانکشتاین فی بغداد یکی از رمان‌هایی تخیلی است که در گونه فانتزی نوشته شده است؛ «واژه فانتزی که در فرهنگ آکسفورد به دو شکل Fantasy و Phantasy ضبط شده، از واژه لاتین Phantasia و از ریشه یونانی گرفته شده است. معنی و مفهوم اصلی Fantasy، هوس و نوآوری خیالی (ابداع خیالی) و Phantasy، به معنای تخیل و اندیشه است (موسوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۳).

بحث اصلی پژوهش

لازم به ذکر است به علت محدودیت صفحات، سعی شده در هر بخش چند مثال تحلیل شده، سپس به ذکر نشانه و کارکرد آن در قالب شماره صفحات پرداخته شود.

حالات چشم

چشم نقشی بزرگ و جدی در روشن ساختن درونیات فرد ایفا می‌کند؛ در واقع چشم همانند آینه‌ای است که هر چه را در آن اتفاق می‌افتد بازتاب می‌دهد، همچنین انسان آنچه را که در پی کشف آن است، از طریق چشم می‌فهمد و چشم، پرده از هویت حقیقی انسان برمی‌دارد (حسام‌الدین، ۲۰۰۱: ۱۷۴). نویسنده داستان را با یک انفجار آغاز ساخته تا بدین‌گونه خواننده را در جریان فضا و اوضاع حاکم بر عراق قرار داده و از جانب دیگر خواننده را به ادامه داستان ترغیب کند؛ در این بخش نویسنده از چشمان ترسیده سخن گفته است که نشانه‌ای است برای ترس از وقوع یک امر عجیب و غریب که کارکردی جانشینی دارد. نیز وقوع انفجار در ایستگاه اتوبوس دال بر

بود تا با استادش چشم در چشم نشود.

بلعیدن آب دهان نشانه ترس از یک موقعیت خاص است؛ منجم کبیر که پس از عدم موفقیت در دستگیری ششمه از شغل خویش استعفا داده و قصد رفتن به سوی منزل را دارد، در بین راه ماشینی کرایه کرده؛ اما راننده که گویی در انتخاب مسیر دچار اشتباه شده و نیمه شب، در یکی از خیابان‌های تاریک بغداد سرگردان شده است، از روی ترس آب دهانش را بلعیده است. این عمل با توجه به همراهی پیام کلامی بعد از آن، کارکرد تکمیل کردن دارد:

(۵) «ظل ينظر إلى الأمام من وراء نظارته الطيبة السمیكة، ثم يلوي رقبته لينظر إلى الخلف. بلع ريقه وقال للمنجم العجوز: أعتقد أني تيهت الطريق» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۳۱۸)

ترجمه: پیوسته از پشت عینک طبی کلفتش به جلو می‌نگریست، سپس گردنش را می‌چرخاند تا به عقب نگاه کند. آب دهانش را بلعید و به منجم پیر گفت: به گمانم راه را گم کرده‌ام.

جدول ۲. حالات چهره

صفحه	کارکرد	مدلول	دال
۶۸	جانشینی	تعجب از امری	کج کردن دهان
۱۷۰	جانشینی	ترس و وحشت	پوشاندن چهره با دست
۲۱۱	جانشینی	شادی خبیثانه	خاراندن چانه

پوشش

انتخاب نوع پوشش، جنس آن و نو یا کهنه بودن لباس، یکی دیگر از پیام‌های غیرکلامی است که از جانب نویسنده، با اهداف و تفاسیر خاصی به کار گرفته شده است. «پوشش، ارتباط برقرار می‌کند و برای ارائه دادن پیام‌های کاملاً صریح درباره هویت، موقعیت و عضو گروهی بودن به کار برده می‌شود» (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۷۳). موریس معتقد است لباس‌ها علاوه بر کارکرد راحتی و محافظت از بدن و پوشش بدن از عیوب، نقش نمایش فرهنگی را نیز بر عهده دارد. به باور او پوشیدن لباس بدون انتقال نشانه اجتماعی، غیرممکن است (ریچموند و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۷). چگونگی لباس پوشیدن، رنگ و نوع لباس، اطلاعات بسیار زیادی در اختیار دیگران قرار می‌دهد. لباس نمایان‌کننده دیدگاه‌ها و ارزش‌های مورد قبول اشخاص نیز است (سوسمان و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۲ و ۴۳).

چهره در ارتباطات انسانی این است که معمولاً این بخش از بدن در هنگام تعامل، بیشتر قابل رؤیت است. وقتی با دیگران سخن می‌گوییم، معمولاً به چهره آنها نگاه می‌کنیم و اغلب به سایر قسمت‌های بدن بی‌توجهیم. حالات چهره و چشم‌هایمان نسبت به سایر رفتارهای غیرکلامی، ارتباطات روزمره ما را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد» (ریچموند و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۱-۱۹۲)؛ زیرا «چهره هر شخص معنی‌دارترین عضو در تمام بدن است (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۲۹۵) و «بعد از زبان، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی است» (هارجی و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۳).

زیبایی و خوبی صورت از کارکردهای چهره است که دربردارنده پیام مثبت و تأثیرگذار است. در رمان شاهد ارتباط و حتی گفتگوی ایلینوا با مارگورگیس مقدس هستیم که حسب پندار ایلینوا، به او وعده خبر خوشی داده است. در این بخش چهره زیبا نشان‌دهنده مثبت بودن شخصیت قدیس است که با کارکردی جانشینی از جانب نویسنده به کار گرفته شده است:

(۳) «في الليل تنظر على ضوء الفانوس النفطي، فتری تموجات الصورة العتيقة خلف الزجاج الشاحب، ولكنها تری أيضاً عيني القديس ووجهه الناعم والجميل» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۲۳)

ترجمه: شب در سایه فانوس نفتی می‌نگریست، پس چروک‌های تصویر قدیمی را از پشت شیشه رنگ و رو رفته می‌دید؛ اما کماکان چشمان قدیس و چهره نرم و زیبایی او را می‌دید.

روی برگرداندن از کسی نشانه عدم توجه به او است؛ یکی از ادارات سری عراق چند نفر از منجمین و پیشگویان را جمع کرده است تا شاید خبری از ششمه کسب کنند. در میان آنها منجم کبیر وجود دارد که شاگردش خویشتن را از او بالاتر و آگاه‌تر دانسته است؛ بنابراین سعی دارد که تا حد ممکن از روبرو شدن با او خودداری کند. در یکی از همین صحنه‌ها، زمانی که منجم کبیر وارد اتاق شده، شاگرد صورتش را به سمت دیوار برگردانده و خود را به خواب زده است که کارکرد کنترل کردن دارد:

(۴) «ألقي نظرة أخيرة إلى تلميذه الذي يتناوم مولياً وجهه إلى الحائط حتى لايتعرض لعيني أستاذة» (همان: ۲۵۲)

ترجمه: نگاه دیگری به شاگردش انداخت که خود را به خواب زده بود؛ در حالی که صورتش را به سمت دیوار گرفته

در آن قرار دارد، شیشه‌های هتل و برخی اتاق‌ها دچار آسیب شده‌اند که این امر سبب شده وی از روی حسرت دست‌هایش را به هم بمالد. در این پیام کارکرد جانشینی بین دال و مدلول برقرار گشته است:

(۸) «- خلی عینک بعین الله! صاح فرج الدلال بصوته عالیاً وهو یمد الحروف مخاطباً أبوأمار الذي شاهدته یصفق براحتیه للتدلیل علی شعوره بالخسران» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۲۱)

ترجمه: - چشمت به خدا باشد! فرج الدلال با صدای بلندش فریاد زد در حالی حروف را می‌کشید و ابوآمار را مخاطب قرار می‌داد که او را دیده بود که دست‌هایش را به خاطر احساس زیان به هم می‌مالید.

تکان دادن دست به نشانه خداحافظی یکی از پیام‌های غیرکلامی رایج در میان فرهنگ‌های مختلف است؛ زمانی که السعیدی قصد ترک مجله و سفر به لبنان را دارد، امور مجله را به دست محمود السوادی سپرده است. این پیام نیز دارای کارکرد تکمیلی است:

(۹) «نظر إلی محمود ونبهه علی أمور تخص المجله، ثم ابتسم وقال وهو یرفع یده مودعاً: صیر بطل صدیقی ... خوش؟» (همان: ۱۹۷)

ترجمه: به محمود نگاه کرد و امور مخصوص مجله را به او گوشزد کرد، سپس لبخندی زد و در حالی که دستش را به نشانه خداحافظی بالا می‌برد، گفت: رفیق موفق باشی ... خوشی؟

حالات بدن

در این بخش به حالات‌های مختلف بدن که پیام‌های غیرکلامی مختلفی را منتقل می‌سازند، اشاره شده است. بالا رفتن ضربان قلب به نشانه ترس یکی از پیام‌های غیرکلامی است که در رمان حاضر نیز بازتاب یافته است. زمانی که هادی العتاق به منزل برگشته و می‌بیند که جسدی که وی قطعات آن را به هم دوخته است، سر جای خود نیست ضربان قلبش به سرعت بالا رفته که کارکرد جانشینی پیام کلامی را ایفا می‌کند:

(۱۰) «فدخل إلی غرفته وبحث فیها، اعاد البحث من جدید وضربات قلبه تزداد سرعة وتجاهل الآلام التي تصل فی عظامه» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۴۲)

ترجمه: داخل اتاقش شد و به جستجو پرداخت. دوباره شروع به گشتن اتاق‌ها کرد در حالی که ضربان قلبش به

زمانی که هادی برای جمع کردن وسایل کهنه به قبرستان می‌رود، پس از جستجوی فراوان، با روح جوانی روبرو شده که روی قبرش نشسته است. نویسنده با دقتی فراوان به وصف پوشش جوان پرداخته است. پوشیدن لباس‌های مد روز نشانه‌ای از عدم توجه به سنت است. این پیام کارکرد جانشینی دارد:

(۶) « فی النهایة شاهد شاباً مراهقاً یرتدی تی شیرت أحمر مع سوارین فضیین فی معصمیه و قلادة من خیط قماشی أسود» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۴۶)

ترجمه: در پایان جوان نابالغی را دید که تی‌شرت سرخ به تن داشت و دو انگوی نقره‌ای در مچش بود و گردنبند سیاه نخی داشت.

پوشیدن دشداشه و داشتن تسبیح نشانه‌ای از سنتی بودن فرد است؛ این نوع پوشش در محیط عربی به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد. نویسنده نیز از این پوشش در رمان خویش بهره برده که کارکرد جانشینی برای پیام کلامی دارد:

(۷) «شاهد فرج الدلال بدشداشته الرمادیة ومسبخته السوداء الطویلة واقفاً یتحدث مع أحد المترجمین» (همان: ۹۹)

ترجمه: فرج الدلال را با دشداشه خاکستری و تسبیح سیاهش دید که ایستاده با یکی از مترجمان صحبت می‌کرد.

جدول ۳. پوشش

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
لباس سیاه	عزاداری و ماتم	جانشینی	۱۷۵

حالات دست‌ها

دست‌ها یکی از اندام‌های مهم بدن هستند که نقشی غیرقابل انکار در انتقال معنا دارند؛ زیرا غالباً همراهی خاصی با کلام دارند. «دست یکی از پرکاربردترین اعضای بدن در ارتباط روزانه است و از قدرتی بسیار در انتقال پیام برخوردار است. در مواقعی نیز بسیار صریح‌تر و نافذتر از کلام عمل می‌کند. قسمت‌های مختلف دست، جهت انتقال پیام‌هایی گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرند» (بیز، ۱۳۸۷: ۳۴)؛ زیرا «دست‌ها نسبت به سایر اعضای بدن ارتباط بیشتری با مغز دارند» (همان: ۴۲).

مالیدن دست‌ها به هم نشانه حسرت و زیان است؛ فرج الدلال و ابوآمار دو تن از همسایگان هستند که چشم دیدن همدیگر را ندارند. پس از انفجار در خیابانی که هتل ابوآمار

صدای هق‌هق، سرفه و سکوت را دربر می‌گیرد. این رفتار غیرزبانی نقش بسیار مهمی در زندگی بازی می‌کند (کورت، ۱۹۹۷: ۲۶-۲۸).

اصوات نیز گاه به خودی خود، پیام غیرکلامی محسوب می‌شوند. «نمادها و نشانه‌های شنیداری از طریق اندام حس گوش و نظام شنوایی دریافت می‌شوند. این صداها با تجربیات شخصی و پیشینه‌های ذهن درآمیخته می‌شوند و معنای ویژه‌ای را تولید می‌کنند» (کریمی، ۱۳۸۰: ۶۳).

سخن گفتن با آرامش نشانه پایان یافتن اندوه است. این نوع لحن سخن گفتن خود یک نوع نشانه است که «بیش از هر عامل دیگری سمت و سوی سخن را تعیین می‌کند» (فروغی، ۱۳۸۱: ۹۱). در این بخش از رمان، نویسنده از شادی بی‌حد ایلشوا سخن گفته که از بازگشت پسرش بسیار شادمان است. این پیام با توجه به آمیختگی پیام کلامی (لقد انتهی حزنی) با رفتار غیرکلامی (لحن گفتار) دارای کارکرد تأکیدی است:

(۱۳) «و حين استفهمت منها عن هذه العصابة الحمراء المملقة قالت لها بهدوء وهي تنظر إلى الطريق أمامها: لقد انتهی حزني . الرب سمع ندائي أخيراً...» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۶۸)

ترجمه: زمانی که از او در مورد سربند سرخ رنگش سؤال کرد با آرامش و در حالی که به راه پیش رویش نگاه می‌کرد، گفت: اندوهم پایان یافته است. خداوند اخیراً ندایم را شنیده است ...

سکوت در برابر کلام یا عکس‌العمل طرف مقابل یکی دیگر از زیرشاخه‌های پیرازبان است. «سکوت در ارتباطات، در فرهنگ‌های مختلف، می‌تواند نماینده مفاهیم مختلفی چون بی‌احساسی، گم‌گشتگی، سرکوب‌شدگی، ابراز قهر، در فکر بودن، افسردگی، موافقت، عدم موافقت، شرمگین بودن، ادای احترام کردن و ... باشد» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۵۶).

محمود که به شنیدن حکایت‌های شسمه از زبان هادی العتاک عادت کرده است، دائماً سعی دارد با وی به گفتگو بنشیند. وی از هادی سؤال پرسیده که عاقبت چه خواهد شد و این موجود ناشناخته چه بلایی سر مجرمین خواهد آورد. هادی برای جواب دادن به این مسأله لحظاتی سکوت کرده است. این امر نشان‌دهنده فکر کردن وی برای جواب دادن به محمود است. این پیام دارای کارکرد تکمیلی است:

سرعت افزوده می‌شد و دردهایی را که به استخوانش رسیده بود، فراموش می‌کرد.

قرار دادن پا روی هم نشانه انتظار برای وقوع عمل یا رویدادی است؛ زمانی که هادی العتاک مشغول جستجوی مواد کهنه در قبرستان است با جوانی روبرو شده که روی سنگ قبر خویش نشسته و پا روی هم قرار داده است. این پیام نیز دارای کارکرد جانشینی است:

(۱۱) «کان جالساً علی قبر مرتفع ویضع رجلاً علی رجل» (همان: ۴۶)

ترجمه: روی قبر بلندی نشسته و پای روی پای دیگر قرار داده بود.

تکان دادن سر به نشانه تأیید و شناختن کسی نیز یکی از پیام‌های غیرکلامی پرکاربرد است که سعداوی نیز آن را به کار برده است. زمانی که جنازه چهار گدا که شبانه در خیابان می‌خوابیدند، پیدا شده، پلیس در این باره از فرج الدلال نیز سؤالاتی کرده که وی با سر جواب مثبت داده است. این پیام نیز دارای کارکرد جانشینی است:

(۱۲) «ثم التفت لیسأل فرج مجدداً إن كان یعرفهم. أوما فرج بالایجاب وهو یسحر بأن الدماء بدأت تجف فی عروقها» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۸۰)

ترجمه: سپس برگشت تا دوباره از فرج الدلال بپرسد که آنها را می‌شناسد. فرج سر را به نشانه جواب مثبت تکان داد در حالی که حس می‌کرد که خون درون رگهایش شروع به خشک شدن کرده است.

جدول ۵. حالات بدن

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
چرخاندن سر	کسب اطلاع	جانشینی	۶۷

پیرازبان

رفتارهای آوایی یا پیرازبان^۱ شامل تمامی نشانه‌های دهانی در مجرای گفتاری به جز کلمات است. اهمیت رفتار آوایی به عنوان یک نوع ارتباط غیرکلامی به دلیل تأثیری است که روی ادراک محتوای کلامی پیام‌ها دارد. نشانه‌های آوایی پیام‌های زیادی را درباره جنسیت، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، محیط، شخصیت و هیجان در اختیار دیگران می‌گذارد (ر. ک ریچموند و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۵). پارازبان پدیده‌های غیرزبانی همچون کیفیت صدا، نداء، صدای خنده،

کرده و در مکانی نامشخص مخفی می‌شود. این پیام دارای کارکرد جانشینی است:

(۱۶) «خرج محمود مع علي باهر السعیدی بسيارته المارسیدس السوداء. يفعل ذلك أحياناً ولا يترك له السعیدی خيارات كثيرة» (همان: ۸۲)
ترجمه: محمود همراه علی باهر السعیدی با مرسدس سیاه رنگش خارج شد. گاهی این کار را می‌کرد در حالی که سعیدی اختیارات فراوانی برای او باقی نمی‌گذاشت.

جدول ۷. اشیا

صفحه	کارکرد	مدلول	دال
۲۷۷	جانشینی	ثروت و مکتب مالی	ساعت رولکس گرانپها

نماد

نماد یکی دیگر از انواع روش‌های ارتباط غیر کلامی است که بیانگر تعبیر و تفسیری خاص از سوی خواننده است. در رمان سعداوی شاهد حضور نمادهای مختلف هستیم. انتخاب عنوان محل کار، دال بر توجه به دین و قومیت است؛ فرج الدلال با وجود اینکه شخصیتی چندان مذهبی نیست و از جانب نویسنده به عنوان غاصب خانه‌های خالی از سکنه یا راندن افراد بدبخت از خانه و کاشانه‌شان معرفی شده است، اما برای بنگاه معاملات ملکی خویش عنوان «الرسول» را برگزیده است که شاید بیانگر نوعی تضاد و تمسخر از جانب نویسنده باشد. از دیگر سو نیز درست روبروی او هتل ابوانمار است که نویسنده نام «العروبه» را برای آن برگزیده که نشانگر دید قومیتی اوست:

(۱۷) «كان فرج الدلال... حين فتح باب مكتب دلالية "الرسول" ... وشاهد أبانمار صاحب فندق "العروبة"» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۱۸).

ترجمه: فرج الدلال بود ... زمانی که درب بنگاه معاملات ملکی الرسول را گشود ... و ابوانمار صاحب هتل العروبه را دید...

وجود آیه‌الکرسی نشانه اعتقاد دینی فرد است؛ ناهم‌عدکی دوست و هم‌منزل هادی العتاق بوده که حضوری کوتاه در رمان داشته، سپس در یک انفجار کشته شده است. العتاق در طول رمان به عنوان فردی لابلالی و میگسار معرفی شده است؛ اما با توصیفی کوتاه از جانب نویسنده در مورد ناهم، می‌توان او را شخصیتی دانست که اعتقاد دینی به

(۱۴) «- وما هي النهاية؟ أين يمكن أن ينتهي؟ سأل محمود فصمت هادي العتاق قليلاً ثم أجاب: يقتلهم جميعاً. جميع المجرمين الذين أجرموا بحقه» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۱۴۶)

ترجمه: - عاقبت چه می‌شود؟ کجا ممکن است که پایان یابد؟ محمود پرسید و هادی العتاق اندکی سکوت کرد سپس جواب داد: همه را می‌کشد. تمام مجرمانی که در حق او مرتکب جرم شوند.

جدول ۶. پیرازبان

صفحه	کارکرد	مدلول	دال
۲۹	جانشینی	دویدن با عجله	نفس نفس زدن
۱۸۲	جانشینی	اضطراب	صدای لرزان

زبان اشیا

زبان اشیا عبارت است از نمایش ارادی یا غیرارادی کالاهای مادی که توسط انسان‌ها به کار گرفته می‌شوند. زیورآلاتی که برای زینت بدن و لباس به کار می‌رود مصنوعات شخصی نامیده می‌شود؛ جواهرات، عینک، کیف، کلاه، چمدان، عصا، شمشیر، نیزه و ... به وسیله شخصیتی که از آنها استفاده می‌کند با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۸۷). اشیا قدیمی و آنتیک نشانه ثروت و مکتب مالی فرد است؛ هادی العتاق که به خوبی به ثروت خفته در منزل ایلشوا واقف است، به بهانه‌های مختلف و در زمان‌های گوناگون، از او می‌خواهد که اشیا و لوازم قیمتی منزلش را به او بفروشد. این پیام دارای کارکرد جانشینی است:

(۱۵) « طلب منها أيضاً أن تبيعه الأنتيكات التي تحتشد في بيتها؛ ساعتان جداريتان كيرتان، طاولات خشبية من الساج باحجام مختلفة. سجاجيد وأفرشة وتمائيل صغيرة بحجم الكف جبسية وعاجية للسيدة العذراء والطفل» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۱۷)

ترجمه: همچنین از او خواست که آنتیک‌هایی را که در خانه‌اش جمع کرده است به او بفروشد؛ دو ساعت دیواری بزرگ، میزهای چوبی ساخته‌شده از ساج در اندازه‌های مختلف. قالیچه‌ها و فرش‌ها و مجسمه‌های کوچک گچی و عاجی از مریم مقدس و کودک.

ماشین مرسدس نشانه ثروت و دارایی و رنگ سیاه نشانه مرموز بودن است؛ نویسنده به ماشین مرسدس سیاه رنگ السعیدی اشاره کرده که در طول داستان شخصیتی متمول، ولی مرموز است و در نهایت نیز به طرز عجیبی از بغداد فرار

اسلام داشته است. این پیام نیز دارای کارکرد جانشینی است: (۱۸) «البیت الذی سکنا فیہ بعد اصلاحه، فوضع قطعة کارتون مربعة کبيرة تحوي آية الكرسي علی أحد جدران الغرفة التي سکنا فیها سوياً» (همان: ۳۲)
ترجمه: خانه‌ای که بعد از تعمیرش در آن ساکن شدند، پس قطعه کارتن بزرگ چهارگوشی را که حاوی آیه‌الکرسی بود روی یکی از دیوارهای اتاقی گذاشت که در آن ساکن بودند.

جدول شماره ۸. نماد

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
ماشین هومر آمریکایی در خیابان	ناآرامی اوضاع	جانشینی	۲۷۶

بو

بنابر تحقیقات دانشمندان علم ارتباطات، عطر و بو می‌توانند واکنش‌های عاطفی و حتی فیزیکی افراد و حیوانات را برانگیزانند. بویی که از فرد به مشام سایرین می‌رسد یا عطری که وی استعمال می‌نماید، هریک به نوبه خود در ارتباطات اجتماعی، پیام‌های ضمنی بسیاری را منتقل نموده که در حداقل حالت، سبب طرد یا جذب سایرین به سمت او می‌گردند (موسی، ۲۰۰۳: ۵۰۸). بوی مشروب نشانه دائم‌الخمر بودن و بی‌اعتقادی به دین از جانب هادی العتاک است؛ سعداوی در توصیف شخصیت‌ها یا شخصیت‌پردازی آنها، به نقش پیام‌های غیرکلامی توجه خاصی داشته است. این پیام دارای کارکرد جانشینی است:

(۱۹) «فهو رجل خمسيني قذر الهيئة غير ودود تفوح منه دائماً رائحة الخمر» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۱۷)
ترجمه: او مردی پنجاه‌ساله و زشت‌رو و نامهربان است که دائماً بوی شراب از او به مشام می‌رسید.

بوی نفتالین نشانه‌ای برای حفظ لباس‌ها در برابر حشرات به صورت ظاهری و از دیگر سو بیانگر علاقه ایلشوا به یادگارهای فرزندش دانیال است. این پیام نیز با کارکرد جانشینی بیانگر علاقه مادر به فرزند خویش است:

(۲۰) «وعادت وهي تحمل قميصاً أبيض مجعداً وبلوزة خضراء قديمة، وبنطلون جينز وكلها تفوح منه رائحة النفثالين القوية» (همان: ۶۴)
ترجمه: برگشت؛ در حالی که با خودش پیراهن سفید چروک و بلوز قدیمی سبز رنگ و شلوار جین آورده بود که از تمام آنها بوی قوی نفتالین می‌آمد.

بوی سیبی که به مشام محمود رسیده، نشانه‌ای از خوشبویی مکان و نیز علاقه سرتیپ سرور، از اعضای پیشین حزب بعث، به بوی سیب است. دارای کارکرد جانشینی در کلام است:

(۲۱) «دخلا إلى مكتب فخم، واستنشق محمود حال دخوله رائحة معطر هواء بنكهة التفاح» (همان: ۸۵)
ترجمه: وارد دفتر بزرگی شدند؛ در حالی که محمود حین ورودش بوی خوشی را در هوا استشاق کرد که بوی سیب بود.

نوع نگاه کردن

نگاه به عنوان عامل اصلی ارتباطات در بین موجودات زنده چه در حوزه حیوانات و چه در حوزه انسان‌ها محسوب می‌گردد و اهمیت آن تا بدانجا است که محور رفتارهای اجتماعی قرار می‌گیرد. نگاه هر چند جز ارتباطات غیرکلامی به حساب می‌آید ولی فقدان نگاه می‌تواند تا حد زیادی ارتباط کلامی را نیز مختل سازد. ارتباطگران معتقدند که نگاه کردن وسیله‌ای برای دریافت برون‌فکنی‌های دیگران اعم از محبت، کینه، بیزاری، نفرت و حتی بی‌تفاوتی، نگرانی، اضطراب و... بوده و حتی می‌تواند علایم تهدیدکننده‌ای را برای ما ارسال نماید؛ بنابراین نگاه هم علامت است و هم کانال ارتباطی؛ علامت برای گیرنده و کانال برای فرستنده (ر.ک: علیپور ملاباشی، ۱۳۹۸). نگاه تند نشانه عصبانیت شخص است؛ هادی العتاک پیوسته بر سر راه ایلشوا قرار گرفته و مدام از او می‌خواهد که وسایلش را به او بفروشد. این نوع نگاه کردن برای ایلشوا آزاردهنده است و کارکرد جانشینی دارد:

(۲۲) «بینما ظل هادي العتاک يزعجها في الطريق بتكرار طلبه مرة بعد أخرى، حتى انشغل عنها لاحقاً، مكتئباً بالنظرات العدائية المتكلفة وكأنه يحاول احراقها بعينيه حين تمر بجواره في الزقاق» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۱۸)

ترجمه: در حالی که پیوسته هادی العتاک در راه با تکرار کردن پی در پی طلبش او را آزرده می‌ساخت، تا جایی که از او دوری گزید و به نگاه‌های سنگین دشمنانه اکتفا می‌کرد؛ گویی که می‌کوشید با چشمانش او را بسوزاند، زمانی که در خیابان از کنارش رد می‌شد.

ششمه هر بار با انتقامگیری از مجرمان، بخشی از بدن خویش را از دست می‌داد؛ در یکی از مواردی که وی چشمانش را از دست داده، مجبور به کشتن فردی بی‌گناه شده و چشمان او را جایگزین چشمان خویش ساخته؛ اما از این کار ناراحت است. ولی توجیه جادوگر، که یکی از یاران

می‌دهد، تعداد زیادی از افراد روی زمین می‌افتند. در این صحنه محمود السوادی و دوستانش قصد دارند بفهمند یکی از این جسد‌های افتاده، زنده است یا مرده. این پیام کارکرد جانشینی دارد:

(۲۵) «اقتربوا منها ومساها محمود بیده فتحركت الجثة فجأة» (همان: ۶۱)

ترجمه: به جسد نزدیک شدند و محمود با دستش آن را لمس کرد که ناگهان جسد حرکت کرد.

نتایج

بررسی‌ها نشان می‌دهد سعداوی با آگاهی کامل از ارتباطات غیر کلامی و کارکردهای آن، در جای‌جای رمان فرانکشتاین فی بغداد، به قصد شخصیت‌پردازی یا صحنه‌پردازی فضای موجود در رمان، از این نوع پیام بهره برده است. وی از مضامینی مانند ترس و اضطراب، ناراحتی، تعجب و عصبانیت در کنار شادی به قصد نشان دادن، ترس و اضطراب حاکم بر جامعه و قهرمان اصلی داستان بهره برده است. وی در رمان خویش توصیف فراوانی از شخصیت‌ها به نویسنده ارائه کرده است؛ وی ایلیشوا را زنی دیندار و معتقد نشان داده که در کنار این امر، بسیار لجباز نیز می‌باشد. هادی العتاک شخصیتی حریص و فرصت‌طلب است که نویسنده این خصوصیت وی را با استفاده از حالت چشم نشان داده است. فرج الدلال نیز شخصیتی حریص است که البته سعی دارد شخصیت خویش را موجه نشان دهد. در زمینه صحنه‌پردازی نیز سعداوی از عناصر فراوانی برای توصیف تم اصلی ماجرا، که اضطراب و ترس بهره برده است.

نویسنده به ترتیب تعداد بسامد از روش‌های زیر برای بیان پیام غیر کلامی خویش بیشترین استفاده را کرده است: حالات دست‌ها، حالات چهره، حالات چشم‌ها، حالات بدن، نوع نگاه کردن، پیرازبان، زبان اشیا، نماد، لمس کردن، بو و پوشش. این امر نیز این فرضیه را که حالات دست و چهره پرکاربردترین حالات در انتقال پیام‌های غیر کلامی هستند، اثبات می‌سازد. در بین کارکردهای شش‌گانه این نوع پیام، جانشینی بیشترین کاربرد را داشته و چند مورد کارکرد تأکیدی، تکمیل کردن و کنترل کردن مشاهده شد؛ اما کارکردهای تکذیب کردن و تکرار کردن در رمان فاقد بسامد بودند. این امر نیز تقریباً با نتایج مقالات مشابه پیشین همخوانی دارد.

ششمه است، برای این کار گناهکار بودن آن فرد است. نگاه تمسخرآمیز در این پیام از نوع جانشینی است:

(۲۳) « طرح الدخان من فمه فی الهواء ونظر إلي متهكماً: وهل كان جسد القديس مقدساً حقاً؟ - ماذا تعني؟

- مادام حمل السلاح فهو مجرم» (همان: ۱۷۳)

ترجمه: - دود را از دهانش به سمت هوا پرتاب کرد و با تمسخر به من نگاه کرد:

- آیا جسد قدیس واقعاً مقدس و پاک است؟

- منظورت چیست؟

- او مدام سلاح حمل می‌کرد، پس مجرم است.

لمس کردن (بساوایی)

«ارتباط بساوایی، نخستین و شاید بنیادی‌ترین شکل ارتباط محسوب می‌شود. ابتدایی‌ترین اشکال زندگی، برای تعامل با محیط اطرافشان به لمس کردن متکی بودند مقوله‌های لمس کردن عبارتند از: حرفه‌ای - عملی، اجتماعی - مؤدبانه، دوستانه - صمیمی و عاشقانه - صمیمی» (ریچموند و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۷ - ۳۰۰). «وجود فاصله فیزیکی بین فرستنده و گیرنده در ارتباطات غیر کلامی مهم است. چهار نوع فاصله وجود دارد: فاصله صمیمی (۱۵ تا ۵۰ سانتی‌متر)، فاصله شخصی (۵۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر)، فاصله اجتماعی (۱۲۰ تا ۲۲۰ سانتی‌متر) و فاصله عمومی (۳ تا ۷ متر)» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۲۷۶). لمس کردن دال بر محبت است که کارکرد جانشینی دارد؛ در صحنه‌ای که تابوت خالی نگهبانی که در حادثه انفجار تروریستی سوخته است، به خانواده‌اش تحویل داده شده است، خانواده وی با اندوه فراوان آن را در آغوش کشیده‌اند. این فاصله از نوع عاشقانه - صمیمی است:

(۲۴) «والتابوت الذي نقل إلى مقبرة النجف كان افتراضياً. احتضنته زوجته الشابة وبكت بحرقة وصرخ يشبه العواء طويلاً، كذلك فعلت أمه وأخواته وإخوته وجيرانه» (سعداوی، ۲۰۱۳: ۴۳)

ترجمه: تابوتی که به مقبره نجف منتقل شد، فرضی بود. همسر جوانش آن را در آغوش گرفت و با سوز بر او گریست. همراه فریادی که شبیه زوزه‌ای طولانی بود، مادر و خواهران و برادران و همسایگانش نیز چنین کردند.

گاهی نیز لمس کردن دال بر طلب آگاهی است؛ آن‌گاه که انفجاری مهیب در یکی از خیابان‌های اصلی بغداد روی

منابع

- ابراهیم‌نژاد سلامی، جعفر، جعفری، افسر و علیدوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۶)، «بررسی ارتباط غیر کلامی فروشنده‌گان کالاهای ورزشی و واکنش مشتریان در فروشگاه‌های ورزشی شهر تهران»، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۹، شماره ۴، صص ۸۰۴-۷۹۳.
- افضلی، علی و گندمی، نسرين (۱۳۹۵)، «خوانش تطبیقی مؤلفه‌های پست‌مدرنیسم در رمان‌های پستی و فرانکشتاین فی بغداد»، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۶۵-۱۳۵.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۶)، «ارتباطات غیر کلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی»، زبان و زبان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۶، صص ۳۴-۱۳.
- پیز، آلن (۱۳۸۷)، زبان بدن (راهنمای تعبیر حرکات بدن)، ترجمه سعید زنگنه، چاپ سوم، تهران: جانان.
- حکیم‌آرا، محمدعلی (۱۳۸۴)، ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ، تهران: سمت.
- دینه‌سن، آنه ماری (۱۳۸۰)، درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه مظفر قهرمان، آبادان: پرشس.
- رپاپورت، آموس (۱۳۸۴)، معنی محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباطات غیر کلامی، ترجمه فرخ حبیب، تهران: پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ریچموند، ویرجینیا پی و مک‌کروسکی. جیمز سی (۱۳۸۸)، رفتارهای غیر کلامی در روابط میان‌فردی (درسنامه ارتباطات غیر کلامی)، ترجمه فاطمه‌سادات موسوی و ژیللا عبدالله‌پور، زیر نظر غلامرضا آذری، چاپ دوم، تهران: دانژه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی و ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات.
- سوسمان، لایل و سام دیپ (۱۳۷۶)، تجربه ارتباطات در روابط انسانی، ترجمه حبیب‌الله دعایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- سوسور، فردیناند دو (۱۳۸۲)، دوره زبانشناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، چاپ دوم، تهران: هرمس.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲)، نشانه - معناشناسی دیداری، تهران: سخن.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۸۱)، آئین سخنوری، چاپ سوم، تهران: زوار.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، ارتباطات انسانی (مبانی)، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، ارتباطات غیر کلامی - هنر استفاده از حرکات و آواها، میبد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فلاحی، کیومرث (۱۳۷۹)، «ارتباط انسانی شیوه‌های کلامی و غیر کلامی در سازمان و روابط عمومی»، نشریه تعاون، شماره ۱۱۴، صص ۵۹-۵۶.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹)، بیولوژی نص، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۰)، الگوی نمادین و غیر کلامی در تعلیم و تربیت نامریی، تهران: منادی تربیت.
- کونکه، الیزابت (۱۳۹۳)، زبان بدن به زبان آدمی‌زاد، ترجمه زهرا نعمتی، تهران: هیرومند.
- گیرو، پیبر (۱۳۸۰)، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
- لیتل جان، استیفن (۱۳۸۴)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میرحسینی، تهران: جنگل.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۵)، ارتباط‌شناسی؛ میان‌فردی، گروهی، جمعی، تهران: سروش.
- محمدی، محمدهادی (۱۳۷۸)، روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، تهران: سروش.
- موسوی، مصطفی و جمالی، عاطفه (۱۳۸۸)، «فانتزی، چستی و تاریخچه آن در ادبیات جهان و ایران»، ادب فارسی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۴-۶۱.
- وود، جولیاتی (۱۳۸۴)، ارتباطات میان‌فردی (روانشناسی تعامل اجتماعی)، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چاپ دوم، تهران: شهر کتاب و مهتاب.
- هارجی، اون، ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (۱۳۷۷)، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: رشد.
- حسام‌الدین، کریم زکی (۲۰۰۱)، الإشارات الجسمیة، دراسة لغویة لظاهرة استعمال أعضاء الجسم في التواصل، القاهرة: دارغریب للطباعة والنشر والتوزیع.
- سعداوی، أحمد (۲۰۱۳)، فرانکشتاین فی بغداد، بیروت: منشورات الجمل.
- موسی، محمد الأمين (۲۰۰۳)، الاتصال غیراللفظی فی

<http://ertebatemosbat.blogfa.com/post/16>
Korte, B. (1997), Body language in literature, University of Toronto Press.

القرآن الکریم، الشارقة: دارالثقافة والإعلام.
علیپور ملباشی، یاور (۱۳۹۸)، *وبلاگ ارتباطات*
اجتماعی، آخرین بازدید ۱۳۹۸/۰۶/۱۲